

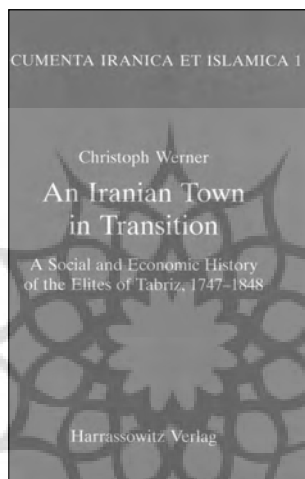
نقد و بررسی کتاب:

شهری ایرانی در گذار:

تاریخ اجتماعی، اقتصادی نخبگان شهر تبریز

ویلم فلور

ترجمه: اکرم صفایی



Christoph Werner, An Iranian town in transition: A social and Economic History of the Elites of Tabriz, ۱۷۴۷-۱۸۴۸ (wiesbaden: Harrassowitz, ۲۰۰۰), pp۴۱۹

کتاب ماه تاریخ و جغرافیا
آذر
ماه
۱۳۸۷

۴۰

نویسنده در این فصل طبیعت در حال تغییر کسب قدرت و اعمال آن توسط حاکمان مختلف را در طول دوران زندیه و اوایل سلسله قاجاریه نشان می‌دهد. ورنر با شگردی ویژه، انتقال قدرت از رؤسای قبیله‌ای به حکام محلی را که دارای قلمرو حکومتی مشخصی بودند را مورد تأکید قرار می‌دهد. در فصل دوم شکل ظاهری شهر تبریز به لحاظ منابع تامین آب مورد نیاز شهر و چگونگی فعالیت‌های ساختمانی و مهم‌تر از همه، پیدایی این شهر قاجاری پس از زمین لرزه سال ۱۷۸۰ مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. این فصل شامل یک بخش درباره میزان جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی است. فصول باقی مانده [البته] به جز ضمیمه در واقع پیکره اصلی این تحقیق را تشکیل می‌دهند.

فصل سوم این پرسش را مطرح می‌سازد که آیا اوقاف می‌توانند همچون آینه‌ای برای نشان دادن تحولات اجتماعی مورد استفاده قرار گیرند؟ و می‌توان بدین وسیله گنجی از اطلاعات درباره افراد وقف‌کننده شهر تبریز را فراهم آورد؟ نویسنده تلاش می‌کند روشن سازد افرادی که اموال خود را وقف می‌کرده‌اند، از این کار چه اهدافی را دنبال می‌نموده‌اند. وی در ادامه تغییرات حاصله در طول آن دوران را نشان می‌دهد. (وقف به عنوان نذری برای وارثان و برپایی مراسم تعزیه مطرح می‌شود). ورنر نقش علما را در اوقاف نامعلوم می‌داند. در حالی که من [ویلم فلور] با این نظر او موافق نیستم چرا که اطلاعاتی که وی درباره این موضوع ارائه می‌دهد اخباری قدیمی است. فصل چهارم بسیار جالب است و جزئیات تغییر جایگاه تبریز از یک جامعه آزاد شهری به یک شهر در قلمرو حاکمیت ایالتی قاجاری را نشان می‌دهد. این

بحثی که در این کتاب توسط نویسنده مطرح شده در واقع یک اقدام بسیار عالی در رشته تاریخ محسوب می‌گردد و بایستی به عنوان الگو مورد استفاده اساتید دانشگاه و دانشجویان دکترایی که قصد پژوهش در زمینه تاریخ ایران را دارند؛ قرار گیرد.

هدف ورنر این است که نشان دهد می‌توان با استفاده از مواد موجود در آرشیو زبان فارسی، تاریخ ایران را روایت کرد. در واقع وی در مقام مقابله با روش‌های متداولی که بر منابع و آرشیوهای غربی تکیه دارند، شیوه‌ای متفاوت و دارای اسلوبی خاص را ارائه می‌دهد. ورنر با نگاهی باریک‌بین، تاریخ اجتماعی و اقتصادی یک شهر در حال تغییر ایرانی [تبریز] را توصیف می‌کند و برای انجام چنین کاری، از اسناد منتشر نشده، قراردادهای خرید و فروش، اسناد وقف و دیگر اسناد قانونی و همچنین از یک نسخه خطی منتشر نشده مربوط به تاریخ محلی، به علاوه آثار و منابع فارسی و غربی استفاده کرده است. البته از آثار اخیر فقط به عنوان منابع جانبی سود جست و به ندرت به طور کامل بر آنها تکیه کرده است. او حتی از این مسئله بیم داشته که مبادا این منابع بر نتیجه تحقیقش تأثیر بگذارد.

ورنر برای تثبیت روش جدید خود، مطالعاتش را بر نقش سرشناسان شهر تبریز در طول سال‌های ۱۷۴۷-۱۸۴۸ متمرکز می‌کند. به دلیل این که دوره یاد شده اساساً یک گسست عمیق در تاریخ ایران محسوب می‌گردد. این کتاب متشکل از شش فصل است. در فصل اول، توصیفی عالی از تحولات سیاسی آذربایجان، به ویژه شهر تبریز بین سال‌های ۱۷۵۰ و ۱۸۵۰ ارائه گردیده است.



لازم برای چنین کاری هستند. و [برعکس] اگر فردی قصد داشته باشد درباره وضعیت و فعالیت‌های اقتصادی آن دوره تحقیق کند معمولاً فقدان منابع فارسی در این زمینه احساس می‌شود. بنابراین نباید یکی از این دو مقوله را فدای دیگری کرد. نحوه برخورد خود ورنر در ارتباط با امور تجاری و اقتصادی مثال گویایی است. او بدون این که توضیحی در این زمینه بدهد، در تبیین وضعیت اقتصادی و تجاری شهر تبریز منحصرأ به منابع اروپایی متکی است.

همچنین عنوان فرعی کتابش درست نیست زیرا واقعاً یک تاریخ اقتصادی را ارائه نداده است. حتی در فهرست منابع از فعالیت‌های کشاورزی که مهمترین نوع فعالیت اقتصادی آن زمان شهر تبریز بوده، اثری دیده نمی‌شود (هرچند در داخل متن اشاراتی به آن می‌نماید). دیگر این که واژه «زمین‌داری» که مورد بحث بسیار قرار گرفته به عنوان یک واژه جانشین مناسب نیست. ورنر از گزارش‌های مسافران روسی مانند کورف (korf) و برزین (Berezin) که جنبه گزارش کنسولی از شهر تبریز را داشته‌اند بهره برده، گفتنی است این اخبار توسط فردی به نام کوانووا (kukanova) منتشر می‌شده است. [علاوه بر اینها] کتاب آتاویز (Ataev's) را که به روابط اقتصادی و تجاری ایران - روسیه در قرون هجده و نوزده می‌پردازد، مورد استفاده قرار داده است.

علی رغم نکات یادشده، تأکید می‌کنم لازم است این کتاب به کتابخانه هر فرد اهل مطالعه‌ای افزوده شود و جزو مواد درسی آموزشی قرار گیرد، تا بلکه از این طریق دانشجویان دیگر به رقابت طلبیده شوند و مطابق شیوه کار ورنر عمل کرده یا اثر بهتری را در این زمینه خلق کنند.

جریان تبدیل به عنوان نمونه بیشتر در تنزل نقش و وظایف دو مقام به نام‌های «بیگلر بیگی» و «کلانتر» منعکس شده است.

فصلی که به علما پرداخته شده نقش آنها را به عنوان سرشناسان جامعه شهری نشان می‌دهد. زیرا آنان در اداره امور مرکزی شهر مشارکت داشتند و گاهی اوقات نیز به عنوان مخالفان نظام حاکم، ایفاگر نقش مهمی بودند. فصل آخر نیز نشانگر وضعیت خانواده‌های زمین‌دار و الگوهای مالکیت در روستا است.

این کتاب با یک متن انتقادی پایان می‌پذیرد ضمن این که ترجمه برگزیده‌ای از اسناد وقفی و حقوقی نیز در آن آمده است که نشانگر آشنایی نویسنده با نوشته‌های خطی قدیمی و تسلط وی بر فن «سیاق» است. آموزش بازخوانی نسخ خطی قدیمی در دانشگاه‌هایی که کرسی مطالعات ایرانی دارند، به ندرت ارائه می‌شود ولی در این کتاب ضرورت و اهمیت چنین مهارت‌هایی برای کسانی که علاقه‌مند به پژوهش‌های بیشتر راجع به تاریخ ایران هستند بیان شده است.

من امیدوارم که دانشجویان دیگری نیز روش ورنر را دنبال کنند و اساتید نیز آنها را برای تحقیق در چنین زمینه‌هایی تشویق کنند. هرچند که روش توصیه شده توسط ورنر محدودیت‌هایی نیز به دنبال دارد.

او در حقیقت روش ریزنگر (Micro historical approach) را انتخاب کرده زیرا اسناد وقفی یا در واقع تعدادی از آنها، فقط نوع بخصوصی از اطلاعات را فراهم می‌آورند و اگر کسی عزم کند تغییرات مربوط به مالکیت زمین و فعالیت‌های ساختمان‌های دولتی را به صورت نقشه درآورد، معمولاً منابع اروپایی فاقد جزئیات